

مسجد الاقصی در گذر تاریخ

مرکز اسناد و مطالعات راهبردی

موقعیت جغرافیایی

شهر قدس در طول ۳۵ درجه و سیزده دقیقه شرقی گرینویچ و عرض ۳۱ درجه و ۴۷ دقیقه شمالی قرار دارد. این شهر در سلسله تپه‌هایی که دامنه‌های آن از غرب به شرق امتداد یافته‌اند، واقع است. ارتفاع آن از سطح دریا بین ۷۲ و ۸۳۰ متر و فاصله آن از دریای مدیترانه ۵۲، از دریای سیاه ۲۲ و از دریای سرخ ۲۵۰ کیلومتر می‌باشد. راه‌هایی که قدس را به دیگر شهرهای فلسطین و کشورهای عربی متصل می‌کند عبارتند از: عکا (۱۵۰ کیلومتر)، نابلس (۶۵ کیلومتر)، الخلیل (۳۶ کیلومتر)، یافا (۶۲ کیلومتر)، غزه (۹۲ کیلومتر)، عمان (۸۸ کیلومتر)، دمشق (۲۹۰ کیلومتر)، بیروت (۳۸۸ کیلومتر)، قاهره (۵۲۸ کیلومتر) و بغداد (۸۶۵ کیلومتر). اکتشافات باستان‌شناسان نشان می‌دهد که هسته اصلی (موقعیت) شهر قدس روی تپه‌های «ضهور» (طور یا تپه اوغل) - که از جنوب شرقی قدس شریف، مشرف بر روستای سلوان است و مساحت آن حدود ۵۵

هکتار می‌باشد - قرار دارد. ساکنان این منطقه آب مورد نیاز خود را از چشمه «ام درج» واقع در ناحیه شرقی تپه‌های ضهور فراهم می‌کنند. امروزه مناطقی همچون ارتفاعات بیت زیتون (بزیتا) در شمال شرقی، و ارتفاعات حرم (مدربا) در شرق و ارتفاعات صهیون در جنوب غربی در داخل محوطه‌ای قرار دارند که به قدس قدیم معروفند. مساحت آن حدود یک کیلومتر و اماکن مقدسه ادیان سه‌گانه در آنجا واقع است. قدس از موقعیت استراتژیکی و جغرافیایی خوبی برخوردار است و خطوط دفاعی طبیعی، این شهر را در موقعیت مناسبی قرار داده است. اطراف شهر را دشت‌هایی فرا گرفته است؛ از جمله دشت جهنم در شرق، که به دشت سلیمان نیز معروف است، دشت یهوشافات، دشت مریم و دشت جبانین در غرب و دشت ربابه در جنوب و جنوب غربی. از ناحیه شمال نیز یک زمین صاف و هموار به قدس شریف متصل می‌شود. از این رو، تمامی حملات نظامی در ناحیه شمال قدس صورت گرفته است و این شهر نیز حملات نظامی خود را از این منطقه آغاز می‌کرده است. فاتحان این شهر نیز از ناحیه شمال وارد این شهر می‌شدند؛ بخت/النصر و اسکندر و بومی و عمر بن خطاب هنگام فتح این شهر، از ناحیه شمال وارد آن شدند.

از سوی دیگر، عامل طبیعی شهر قدس، از آن قلعه محکمی ساخته که اطراف آن را کوه‌ها احاطه کرده‌اند. این کوه‌ها دارای ویژگی‌های خاص هستند؛ مدافعان را از حمله دشمنان با خبر ساخته و فرصت کافی را برای آنها فراهم می‌کنند تا ساکنان بتوانند پیش از رسیدن دشمن به شهر، با آنان روبه‌رو شوند. جبل‌الزیتون در ناحیه شرقی آن قرار دارد و از ناحیه غرب نیز سلسله جبال اطراف شهر را احاطه کرده است. مرتفع‌ترین آنها

کوه ساموئل نبی می‌باشد که مشرف بر سرازیری‌های غربی و چشم‌انداز سواحل (مناطق ساحلی) فلسطین است. کوه مشارف (سیکویس)، که از ناحیه شمالی قدس مشرف بر منطقه‌ای است که به رام‌الله منتهی می‌شود، به دلیل چشم‌انداز و منظرگاه زیبای شهر به این نام معروف گشته است. طور، دریای سیاه و منطقه کرک نیز این ارتفاعات مشاهده می‌شوند. اما مرزهای جنوبی نیز بر روی کوه مکبر که مشرف بر منطقه جنوبی و بیت‌لحم است، قرار گرفته است. چون عمر بن الخطاب به مدت يك ساعت روی این کوه ایستاد و نوای الله اکبر سر داد، این کوه به نام «مکبر» معروف گشت.

با ازدیاد جمعیت، شهر نیز به موازات آن گسترش پیدا کرد، ساختمان‌ها به خارج از محدوده شهر امتداد یافتند و محله‌های زیبایی که به قدس جدید معروف گشتند، تأسیس شدند. به علاوه، توابع جدیدی نیز به شهر ملحق گردیدند. روستاهایی مانند شعفاط، بیت حنينا، سلوان، عین کارم، دیرباسین و قسطل، از جمله توابع قدس قدیم به‌شمار می‌روند. بر روی آن کوه‌ها محله‌های زیبایی ساخته شد؛ مثل محله مشارف (مشرف بر کوه مشارف)، محله قطمون (مشرف بر کوه قطمون) و محله مکبر (نزدیک کوه مکبر).

نام‌های قدس

حوادث تاریخی قدس با نام متعدد آن شهر مقدس در کتاب‌های تاریخی ذکر شده است. عرب کنعانی ۵۰۰۰ سال پیش قدس را بازسازی کرد و آن را «اورسالم» نامید. سالم منسوب به سالم یا شالم به معنای صلح است و «اور» واژه‌ای سومری است که به معنای شهر می‌باشد. این نام به امت‌های دیگر نیز منتقل شد و نزد یهود به «یروشالایم» و فراعنه به «شوامام» و یونان و روم به «هیروسولیم» و نزد غربی‌ها به «جروسالم»

شهرت یافت.

در قرن دوازده پیش از میلاد، بنی‌اسرائیل به سرزمین کنعانیان هجوم آوردند. قبیله عربی کنعانی که از همان آغاز در شهر قدس و کوه‌های اطراف آن مستقر شده بودند، با بنی‌اسرائیل جنگیدند. در آن زمان شهر قدس به شهر «یبوس» معروف شده بود. این نام را، که نام رییس قبیله کنعان بود، یوشع، رهبر بنی‌اسرائیل، انتخاب کرد. وقتی که یهود در سال ۹۹۷ پیش از میلاد به فرماندهی حضرت داود علیه‌السلام وارد شهر شدند، این شهر به شهر داود معروف شد و داود آن را به عنوان پایتخت حکومت خود برگزید.

نام «داود» که بر شهر قدس اطلاق شده بود، دوام زیادی نیاورد؛ چرا که نام اورشلیم جایگزین آن شد و حتی پس از پایان حکومت یهود که ۷۳ سال طول کشید، این نام همچنان نزد فارس‌ها، یونانی‌ها و رومی‌ها، که به ترتیب بر این منطقه حکومت کردند، رواج داشت. این نام همان‌گونه که قبلاً ذکر گردید، تحریف شده اورسالم - اورشالیم عربی است.

در سال ۱۳۵ میلادی امپراتور روم این شهر را ویران و ساکنانش را آواره کرد و نام آن را به «ایلیا کابیتولینا» به معنای خانه خدا تغییر داد. با وجود اینکه کنستانتین، امپراتور روم، نام قدیمی این شهر را دوباره زنده کرد، عرب‌ها آن را با نام قدس شریف، یعنی مکان مقدس و پاک از هر گناه و شرک، می‌شناسند. و این نام‌ها در قرآن و سنت ذکر شده‌اند.

اماکن مقدس

شهر قدس از جایگاه بزرگی نزد مسلمانان، مسیحیان و یهودیان برخوردار

است؛ که قدس زادگاه ادیان سه‌گانه بوده و بسیاری از پیامبران و انبیا در قدس به سر می‌بردند یا به نحوی با آن در ارتباط بودند. این موضوع از حقایق تاریخی به شمار می‌آید و داستان‌ها و روایت‌های متعددی درباره آن‌ها نقل شده و نمی‌توان آن را با ادله تاریخی اثبات کرد؛ از جمله می‌توان به ارتباط حضرت ابراهیم، یعقوب، اسحاق، عیسی، یحیی، زکریا و صالح با بیت‌المقدس اشاره کرد. روایت‌ها و داستان‌های بسیاری درباره ارتباط میان قدس و خانه آدم و نوح و سام نقل شده است. در روایتی آمده است که حضرت آدم علیه‌السلام در غاری بین قدس و مسجد حضرت ابراهیم به خاک سپرده شد. همچنین روایت شده که کشتی حضرت نوح پس از طی مسافتی بر بیت‌المقدس رسید و به اذن خداوند زبان گشود و گفت: ای نوح! این بیت‌المقدس و محل سکونت انبیا (و فرزندان تو) می‌باشد، و آمده است که سام بن نوح این منطقه را ساخته و بر آن حکومت کرد و به «ملکی صادق» ملقب گشت. از عبدالله بن عمر نیز روایت شده که انبیا بیت‌المقدس را ساختند و در آن زیستند و يك وجب از آن نیست مگر اینکه پادشاهی بر روی آن سجده کرده باشد و مقاتل بن سلیمان نیز گفته هر وجب از آن، محل سجود انبیا و پیامبران و فرشتگان بوده است.

ایمان به پیامبران و رساله‌های آسمانی، از اصول عقیده اسلامی است. دین اسلام برای تصدیق ادیان آسمانی پیش از خود آمد. در آیه ۳ و ۴ سوره آل‌عمران آمده است: «نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنجِيلَ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ». و در آیه ۱۳ سوره شوری نیز آمده «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا

تَتَفَرَّقُوا فِيهِ با توجه به این آیات می‌توان اماکن مقدس را

به شرح ذیل معرفی کرد:

الف) مسجد الاقصی: دومین مسجدی است که حضرت ابراهیم بعد از کعبه آن را ساخت. الاقصی یعنی دورتر و به معنای دور از مکه و مسجدالحرام است.

ب) مسجد صخره: این مسجد دارای تاریخ قدیمی است.

حضرت ابراهیم علیه السلام این مکان را محل عبادت خود قرار داد.

حضرت یعقوب علیه السلام پس از مشاهده نوری از نواحی آن، مسجدی

در آن بنا کرد که به مسجد صخره معروف شد. یوشع علیه السلام «قبه زمان»

یا «خیمه اجتماع» را که قبلاً حضرت موسی علیه السلام تأسیس کرده و محراب آن

را حضرت داود ساخته بود، بنا کرد. حضرت سلیمان علیه السلام نیز در زمان خود

معبدی را که به نامش معروف شد در آنجا بنا نهاد و پیامبر اسلام در شب

اسرا از بالای آن به آسمان عروج کرد.

ج) دیوار براق: دیواری است که ناحیه غربی اطراف

مسجد الاقصی را احاطه کرده و جزئی از حرم به حساب می‌آید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شب اسرا و معراج، اسب براق خود را در همین مکان

بسته بود. یهود آن را دیوار مبکی می‌نامند. این دیوار از بقایای (بت)

قدیمی که هیروودوس آن را در سال ۱۸ ق.م ساخته بود و تیتوس آن را در

سال ۷۰ درهم کوبید، می‌باشد. از این رو، این مکان را مقدس دانسته و

زیارت می‌کنند.

اما از نظر مسیحیان، پس از این‌که روم‌ها در اطراف مسجد الاقصی

صلیبی را کشف کردند، در سال ۳۳۵ به دستور ملکه هیلانا در همان مکان

کلیسایی ساخته شد. آنان معتقدند این صلیب همان صلیبی است که حضرت عیسی علیه السلام با آن به دار آویخته شد و از مهم‌ترین اماکن مقدس آن‌ها به‌شمار می‌آید و در کنار دیوار براق واقع است. هیکل سلیمان نیز از جمله اماکن مقدس یهودیان به‌شمار می‌رود و صهیونیست‌ها تا امروز آن هیکل را در ارتفاعات قدس و اطراف مسجدالاقصی جستجو می‌کنند.

عصرهای تاریخی

کنعانیان در هزاره چهارم پیش از میلاد به دلیل خشکسالی از جزیره العرب به سوی سرزمین شام هجرت کردند و در نواحی جنوب شرقی (اردن) و جنوب فلسطین و سواحل جنوب غربی آن اقامت گزیدند. منطقه‌ای که کنعانیان ساکن آن شدند به سرزمین کنعان معروف شد و شامل نوار ساحلی صیدا و غزه و از سواحل غربی دریای سیاه تا نواحی شرقی و شمال دریاچه طبریا تا جنوب چاه سبع می‌شود. کنعانیان به قبایل متعددی تقسیم شدند و هرکدام از این قبایل مکان خاصی را برای خود برگزیدند. آنان که موفق به تشکیل يك دولت نشدند، دارای تمدن بودند. تحقیقات تاریخی نشان می‌دهد که قبیله ییوسی اولین قبیله‌ای بود که به‌سال ۲۵۰۰ پیش از میلاد ساکن شهر قدس و اطراف آن شدند.

روایت‌هایی که در تورات آمده از «ملکی صادق» پادشاه ییوس که حکومت (شالیم یا سالیم) را به‌دست گرفته بود، یاد می‌کنند. او با حضرت ابراهیم رابطه دوستی داشت و با گروهی از دوستانش معتقد بودند که خداوند، یکتا آفریننده زمین و کمالات آسمان‌هاست و حرم قدس را پرستشگاه خود قرار داده بود و قربانی‌های خود را روی سنگ

مقدس انجام می‌داد، در تورات و انجیل از او به عنوان اولین کسی که حرم را مقدس شمرده و یکی از اولیای خدا (غیب‌گوی خدای تعالی) یاد می‌کنند.

تحقیقات تاریخی و باستانی نشان می‌دهد که نسل کنعانیان در فلسطین بریده نشد، بلکه همچنان بر سرزمین قدس حکومت می‌کردند و یا حکومت‌هایی آمدند که بر آن‌ها حاکم شدند و به هر حال، حتی پس از اختلاط با مسلمانان همچنان اکثریت جمعیت و ساکنان آن منطقه بودند و تعدادی از آنان نیز از صفحه تاریخ محو شدند.

۱ - عصر فرعون (حکومت فرعون)

فراعنه مصر تا آغاز قرن شانزده پیش از میلاد بر قدس حکومت کردند. نفوذ مصر در قدس قریب دویست سال به طول انجامید. این شهر در معرض حملات بادیه‌نشینان (خابیرو) قرار گرفت تا اینکه «عبدی خیبا» والی مصر مجبور شد از «اخناتون» درخواست کمک نماید، ولی اخناتون از ارسال کمک به وی خودداری کرد. حاکم مصر در زمان سیتی اول (۱۳۰۱ - ۱۳۱۷) پیش از میلاد به مصر بازگشت. در یکی از نامه‌هایی که عبدخیبا به اخناتون نوشته، آمده است: ساکنان این شهر پس از حملات خابیرو مجبور به ترك دیار خود شده و به سوی کوه‌ها و برخی به مصر پناه بردند.

۲ - حکومت یهود

یهود در قرن دوم پیش از میلاد و در سال ۹۷۷ یا ۱۰۰۰ ق.م به فلسطین هجوم بردند، حضرت داود علیه‌السلام موفق شد این شهر را به تصرف خود

درآورد و نام خود را بر آن اطلاق نماید و قصر و دژهایی در آن بسازد. سپس حضرت سلیمان، که در قدس به دنیا آمد و در آنجا بزرگ شد، پس از پدرش به مدت چهل سال براین سرزمین حکومت کرد و زیارتگاهی در محل عبادت «ملکی صالح» ساخت. این هیکل که برای تمامی یهودیان بود، پس از وفات سلیمان علیه السلام تنها به عده معدودی از یهود اختصاص یافت. در زمان رحبعام بن سلیمان، این دولت به چند ایالت تقسیم شد و نام داود نیز از شهر حذف شد و نام قدیمی آن، یعنی اورسالم، دوباره شهرت یافت. حدود بیست پادشاه در طی ۳۳۷ سال بر این سرزمین حکومت کردند که بیشتر آن‌ها به دست اقوام خود به قتل رسیدند. قدس در زمان حکومت یهود شاهد حملات متعددی بود به طوری که دشمن بارها به آن حمله کرد و اموال مردم را چپاول کرد. بی‌بند و باری و فساد دینی و بت‌پرستی میان ساکنان رواج پیدا کرد. در آن هنگام اکثر ساکنان از قبایل ییوس، کنعان و عمور بودند.

۳ - حکومت فارس‌ها

در زمان صدقیا بن یوشا، بخت‌النصر به سوی قدس لشکرکشی کرد و شهر را محاصره نمود؛ ساکنان یهودی آن و پادشاه را اسیر و به بابل در عراق اعزام کرد و شهر را ویران ساخت و هیکل را به آتش کشید و سوریه و فلسطین را به تصرف خود درآورد. کوروش در سال ۵۳۸ ق.م به یهودیان اجازه داد به قدس باز گردند. کوروش که تحت تأثیر همسرش، به خاطر نسبتی که با پادشاهان یهود داشت، هیکلی جدید را به نام خود (هیکل کوروش) ساخت. این هیکل که علی‌رغم مخالف ساکنان جنوب فلسطین و شام ساخته شد، تا زمانی که هیروُدوس ساخت

هیکل جدید را آغاز کرد، پابرجا ماند.

۴ - حکومت یونانی‌ها

اسکندر مقدونی در سال ۳۳۲ ق.م بر قدس چیره شد. ساکنان یهود از وی استقبال کرده و به سرعت فضیلت ایرانیان را به فراموشی سپردند. پس از مرگ اسکندر، حکومت این شهر در زمان خلفایش به حکومت‌های دیگر متصل شد و تحت تأثیر تمدن یونان قرار گرفت. در سال ۱۶۵ ق.م پادشاه سلوکی‌ها در سوریه (آنتیوخوس چهارم) هیکل را ویران و یهود را به بت‌پرستی (دین یونان) وادار کرد که در نتیجه آن، انقلاب مکابیه‌ها رخ داد و یهود در ایجاد فتنه و آشوب و جنگ و خونریزی پیروز شدند و تقریباً به نوعی حکومت خودکفا دست یافتند.

۵ - حکومت روم‌ها

پس از دوره‌ای شورش و فتنه، در سال ۶۳ ق.م بومبی، رهبر روم‌ها، شهر بیت‌المقدس را به تصرف خود درآورد و به تابعیت امپراتور رم درآمد. فارس‌ها در سال ۴۰ ق.م دوباره قدس را به تصرف خود درآوردند، ولی روم‌ها موفق شدند پس از دو سال مجدداً قدس را از چنگ ایرانیان درآورند و هیرودوس را بر آنجا حاکم کنند و نیز به رغم امتیازاتی که رومی‌ها به ساکنان یهود داده بودند، مردم در قدس شورش کرده و آتش فتنه را در شهر برافروختند تا این‌که این امر منجر به دخالت رومی‌ها شد. رومی‌ها در سال ۷۱ میلادی به قدس حمله کردند و به غارت و سرکوب این فتنه پرداختند، ولی کاری از پیش نبردند و ساکنان یهود برای بار دیگر در سال‌های ۱۱۵ و ۱۳۲ خاطرات آشوب و

فتنه را در شهر زنده کردند و موفق شدند شهر را به سلطه خود درآورند. نهایتاً «هادریان» در سال ۱۳۵ میلادی آتش این فتنه را پس از ویرانی و کشتار مردم و به اسارت گرفتن آنان، خاموش کرد. هادریان اقامت در قدس را فقط به مسیحیانی که اصالتاً یهودی نبودند، تجویز کرد. همچنین به «ایلپا» دستور داد به هیچ کس از یهودیانی که در نقاط مختلف بودند در قدس اجازه سکونت ندهد. تا اینکه امپراتور کنستانتین ورود آنان را سالی یکبار برای زیارت، تجویز کرد. بدین ترتیب، رومیان در هر مرتبه قدس را ویران کردند و یهودیان هزار سال از قدس محروم بودند و در زمانی که روم در سال ۳۹۵ به دو بخش تقسیم شد، قدس به ضعف و ناتوانی مبتلا شد و ایرانی‌ها در سال ۶۱۴ میلادی موفق شدند قدس را اشغال نمایند. کلیسای قیامت و صومعه‌های آن از این آشوب‌ها در امان نبود و تعداد قربانیان این ناحیه به ۶۰ هزار نفر رسید. این وضع طولی نکشید تا اینکه «هرکل» در سال ۶۷۲ میلادی بر ایرانیان غلبه کرد و صلیب را از آنان باز ستاند و حکومت قدس را بار دیگر به رومی‌ها واگذار کرد.

۶ - عصر اسلامی اول

پس از چهارماه جنگ بین سپاه اسلام و فرمانده قدس، «صفرونیوس» از ابوعبید جراح، فرمانده سپاه اسلام خواست تا از عمر بن خطاب دعوت کند و شخصاً قدس را به آنان واگذار نماید. عمر بن خطاب در سال ۶۳۶ میلادی از طریق جبل‌المکبر وارد قدس شد. بین آنها و مسیحیان پیمانی بسته شد که به موجب آن آزادی دینی مسیحیان در قدس به ازای پرداخت جزیه تضمین شد و طبق آن وثیقه‌ای که به «العهد العمریه» معروف شد میان آنها منعقد گردید. مسیحیان در تمام این دوره‌ها از

آزادی‌های کامل همه جانبه در سایه حکومت اسلامی برخوردار بودند، کلیساهای خود را حفظ و عمل به‌دین خود را با اختیار کامل انجام می‌دادند.

پس از عمر بن خطاب تعداد زیادی از تابعین و صحابه و سایر مسلمانان به قدس روی آوردند. برخی برای فتح و برخی به قصد اقامت و زیارت و برخی دیگر به قصد اقامت موقت پیش از ادای حج به قدس آمدند و بدین ترتیب، اسلام به سرعت گسترش یافت و شهر قدس حال و هوای اسلامی به خود گرفت.

خلفای اموی و عباسی به شهر قدس اهتمام ورزیده و شهر در این دوره دارای منزلت و عنایت خاصی بود و قدس در ابتدای قرن دوم هجری شاهد يك حرکت علمی قابل ملاحظه بود و بسیاری از دانشمندان و پیشوایان از نقاط مختلف در آنجا سکونت اختیار کردند. این شهر همچنین شاهد جنبش و تحولات زیادی بود و تعداد زیادی از پزشکان معروف نیز از این شهر برخاستند.

۷ - عصر صلیبی

اختلافات بین سلجوقیان و فاطمی‌ها بر سر سرزمین شام از يك سو و درگیری‌های داخلی بین پادشاهان سلجوقی از سوی دیگر، زمینه حمله صلیبی‌ها به بیت‌المقدس را فراهم کرد. صلیبی‌ها توانستند بیت‌المقدس و بخش‌های وسیعی از سرزمین شام را اشغال کنند تا اینکه قدس به دست آن‌ها سقوط کرد و بدین ترتیب، دوره اول اسلامی، که تا پانصد سال امتداد داشت، پایان یافت و جنگجویان در این حمله کشتار فجیعی در شهر مرتکب شدند. به ویژه در منطقه حرم تعداد قربانیان به هفتاد هزار نفر

رسیده بود. صلیبیان تمام ذخایر موجود در صخره واقعی را به غارت بردند و حرم شریف را به کلیسا و اصطبل اسب‌هایشان تبدیل کردند. در بیت‌المقدس حکومت مسیحی برقرار شد و تحت اداره پاپ کاتولیک درآمد، ولی پاپ ارتدوکس حق هیچ‌گونه دخالتی در امور دینی مسیحیان نداشت. این امر باعث ناراحتی تمامی مسیحیان شد. البته این وضع، مسلمانان را به تسلیم و خضوع در برابر مسیحیان وادار نکرد، بلکه آنان همواره به فکر چاره‌ای برای بازگرداندن وحدت به صفوف مسلمانان بودند و درصدد جلوگیری از پیشرفت صلیبی‌ها برآمدند.

۸ - عصر اسلامی دوم

صلاح‌الدین و نورالدین زنگی تلاش بسیاری برای یکپارچگی مسلمانان انجام دادند تا اینکه صلاح‌الدین ایوبی موفق گردید پس از فراهم‌سازی اقدامات لازم، بیت‌المقدس را در معرکه حطین در سال ۱۱۸۷ م از صلیبی‌ها باز پس بگیرد. صلاح‌الدین به طور مسالمت‌آمیز وارد قدس شد و خروج صلیبی‌ها را با پرداخت جزیه تجویز نمود و به مسیحیان بومی اجازه اقامت در شهر را داد.

۹ - جنگ صلیبی دیگر

از دست رفتن بیت‌المقدس، اروپا را منقلب ساخت و زمینه شروع جنگ دیگری گردید. در این جنگ سلاطین اروپا از جمله «ریچارد شیردل» شاه انگلستان، «فردریک باربروس»، سلطان آلمان و «فیلیپ آگوست» پادشاه فرانسه شرکت کردند. لشکریان اروپا اطراف شهر عکا به هم رسیدند و آن را محاصره کردند. حاکم بیت‌المقدس در این شرایط

پیمان خود با صلاح‌الدین را شکست و به‌عنوان رهبر ارتش اروپا وارد جنگ شد.

از سال ۱۱۸۹ تا ۱۱۹۱ جنگ بین دو طرف ادامه یافت. در اثنای جنگ، صلاح‌الدین ایوبی از خلیفه عباسی بغداد و سلطان مراکش کمک خواست، ولی اجابت نشد، در صورتی که کمک‌های جنگی برای صلیبی‌ها از اروپا مستمر ادامه داشت. با فراز و نشیب بسیار، جنگ در سال ۱۱۹۲ پایان یافت و قرارداد صلح منعقد گردید و مقرر شد بیت‌المقدس در دست مسلمانان بماند و مسیحیان نیز در انجام اعمال مذهبی آزاد باشند. در سال ۱۱۹۳ صلاح‌الدین درگذشت. پس از مرگ او، با اختلافات جانشینانش اروپاییان فرصت را مغتنم دانسته، برخی شهرهای فلسطین از جمله صفد و طبریه را به اشغال خود درآوردند. در این دوران، الکامل ایوبی، سلطان فلسطین، در قراردادی با پادشاه آلمان مقرر داشت بیت‌المقدس در تصرف او باشد و اماکن مقدسه نیز تحت نظر مسلمانان باقی بمانند. فردریک در کنیسه قیامت تاجگذاری کرد و سال بعد، از بیت‌المقدس به صقلیه بازگشت. شهر قدس مدت زیادی در دست او نماند؛ زیرا صالح ایوب پادشاه مصر از خوارزمیانی که از مقابل لشگر چنگیزخان مغول فرار کردند، استفاده نمود و با صلیبیون جنگید و غزه را تصرف و قدس را از دست نصاری گرفت و دمشق را هم فتح نمود. در سال ۱۲۵۰ میلادی حکومت مصر از خاندان ایوبی به مماليك منتقل شد و «قطر» (مملوك سوم) فوراً برای مقابله با مغول سپاهی تجهیز نمود. آن‌ها در «عین جالوت» به هم رسیدند. فرمانده سپاه مصر «الظاهر بیبرس»، لشگر مغول را منهدم نمود و از بلاد فلسطین

و سوریه خارج کرد. این فرمانده بعدها به خلافت رسید و مصر و سوریه را متحد ساخت و کلیه شهرها را از صلیبیون بازستاند و در ۱۲۶۸ قبه الصخره را تجدید بنا نمود.

صلاح‌الدین اشرف (مملوک نهم) در سال ۱۲۹۱ م شهر عکا را محاصره و آن را فتح نمود. با خالی ساختن شهرهای صور و صیدا و طرسوس، پرده بر آخرین منظره جنگ‌های همه جانبه میان شرق و غرب کشیده شد. دوره عثمانیان نیز با حوادثی از جمله جنگ با مصر و فتح فلسطین آغاز گردید. در این دوران ظاهراً عمر شیخ صفد در مقابل دولت عثمانی قد علم کرد و قصد داشت با همکاری سران سوریه، آن سرزمین را از عثمانی پس بگیرد، ولی دولت عثمانی ضمن قتل او، این نقشه را نقش بر آب کرد.

همچنین جزار به دستور سلطان عثمانی در سال ۱۷۸۰ حاکم دمشق گردید و در مقابل حمله ناپلئون به عکا مقاومت سختی نمود. ولی ناپلئون در این مسیر به سوی شرق، فلسطین را در نهایت فتح نمود. روسیه، انگلیس و اطریش در ۱۸۴۰ میلادی از ترس اینکه یک امپراتوری قوی عربی تشکیل شود، از پیشرفت ابراهیم پاشا (از مماليك مصر) جلوگیری کردند. او ده سال در فلسطین حکومت کرد و در این مدت در اثر شدت ناملايمات، شورشى در فلسطین و لبنان و اردن بر علیه او صورت گرفت.

در دوران عثمانی فلسطین پیشرفتى نکرد و همان بی‌نظمی و زلزله در سایر مناطق حکومت عثمانی در تمامی بخش‌های این امپراتوری بوجود آمد. این روح هرج و مرج اجتماعی و عشایری، مدت‌ها در حکومت عثمانی نفوذ داشت تا اینکه در سال ۱۹۰۸ میلادی حکومت

مشروطه اعلان گردید.
با عنایت به تغییرات ابتدای قرن بیستم و تحولات نظام بین‌الملل،
به ویژه جنگ اول جهانی، موضوع فلسطین نیز تابعی از تحولات شد
و پس از جنگ نیز سرنوشتی همچون طرح تقسیم (قیمومیت) نظام
سرپرستی را تجربه نمود تا سرانجام در سال ۱۹۴۸ با تشکیل حکومت
اسرائیل با شرایط جدید مواجه گردید.

مسجدالاقصی

مسجدالاقصی در جنوب حرم شریف واقع شده است. خلیفه عبدالملک
بن مروان اموی شروع به ساختن این بنا نمود و فرزند وی ولید بن
عبدالملک در سال ۷۰۵ م آن را به پایان برد. حرم شریف این
مکان مقدس شامل مسجدالاقصی، مسجد صخره با گنبد طلایی آن
و صحن‌ها و ساختمان‌های پیرامون آن است که جمعاً به مساحت
۱۴ هکتار بر فراز کوه موريا قرار دارد و ۱۴ دروازه از جمله درهای اسباط،
حطه، شرف‌الانبیا، ناظر، نو، قطانین، مطهره، سلسله، مغربیان
و دروازه طلایی، اتاق‌های متعدد، ۸ چاه در صحن صخره و ۱۷ چاه
در حیاط مسجدالاقصی و جمعاً ۴ گلدسته از جمله آثار این
بخش می‌باشد.
طول این بنا به ۸۰ متر و عرض آن به ۵۵ متر می‌رسد و اکنون
به ۵۳ ستون مرمری و ۴۹ ستون مربع شکل استوار است. درهای مسجد در
زمان اموی‌ها از طلا و نقره پوشیده شده بود، اما به فرمان ابوجعفر منصور
صفحات طلا و نقره را کردند و به دینار تبدیل نمودند و به مصرف مسجد
رساندند. در اوایل قرن پانزدهم برخی از قسمت‌های مسجد مورد مرمت

قرار گرفت و گنبد و ابواب شمالی آن ساخته شد. آن‌گاه که صلیبی‌ها بیت‌المقدس را اشغال کردند، بخشی از مسجد را به کلیسا و بخش دیگر را به محل سکونت سواره نظام و انبار ذخایر خود تبدیل نمودند، ولی هنگامی که صلاح الدین ایوبی بیت‌المقدس را از آنان باز پس گرفت، به اصلاح و مرمت مسجد امر کرد و محراب آن را بازسازی نمود، گنبد آن را معرق‌کاری کرد و منبری زینت یافته با عاج و آبنوس از حلب آورد و در سمت راست محراب قرار داد. این منبر تا زمان آتش‌سوزی مسجد توسط یهودیان در تاریخ ۱۹۶۹/۸/۲۱ باقی بود. پادشاهان بنی‌ایوب و مماليك و سلاطین بنی‌عثمان نسبت به مسجد عنایت و توجه داشتند و رواق‌ها در آن ساختند. سقف آن را تعمیر کردند و با کاشی معرق و مرمر زینت بخشیدند. دیوارها را تعمیر کردند و کف آن را با قالی‌های ایرانی پوشاندند. در سال ۱۹۲۷ م ضایعاتی به مساجد وارد آمد. از این رو، مجلس اعلای اسلامی به منظور تعمیر و بازسازی مسجد از کشورهای عربی و اسلامی استمداد جست. بزرگترین و مهم‌ترین مرحله این عمران، برداشتن ستون‌های قدیمی بود که گنبد بر آن‌ها استوار بود و به جای آن‌ها شصت ستون جدید که پی آن‌ها از بتن مسلح بود، قرار داده شد. پس از آن بر اثر زلزله، به برخی از رواق‌ها و اجزای مسجد صدمه وارد شد که مجلس اسلامی با استفاده از اموال اوقاف به مرمت آن پرداخت. رواق شرقی را منهدم کرد و از نو بنا نمود. رواق میانی را نیز بازسازی کرد و ستون‌های مورد نیاز را از ایتالیا آورد. زیر مسجدالاقصی دهلیزی وسیع وجود دارد که به اقصای قدیم موسوم است و آن عبارت

است از سلسله‌ای از طاق‌ها که بر ستون‌های محکم و قطور استوار شده است.

آتش‌سوزی مسجدالاقصی

در تاریخ بیست و یکم آگوست ۱۹۶۹ رژیم صهیونیستی اعلام کرد يك فرد دیوانه به نام دنیس مایکل روهان (Dennis Michael Rohan) مسجدالاقصی را به آتش کشید. گرچه اسراییلی‌ها اعلام داشتند که این فرد استرالیایی يك مسیحی دیوانه بود، لیکن برخی منابع معتبر نیز بر این عقیده هستند که وی يك یهودی توریست بود و از لحاظ سلامت عقلی نیز هیچ مشکلی نداشت. همچنین آثار حریق دلالت بر آن دارد که اشخاص دیگری روهان را در آتش زدن این مسجد از خارج آن و از یکی از پنجره‌های مشرف به درب‌المغاربه (که اسراییلی‌ها آن را منهدم کردند) هدایت و یاری رسانیدند. در این آتش‌سوزی منبر مسجدالاقصی تخریب شد. منبری که توسط نورالدین زنگی سفارش ساخت داده شده بود، پس از جنگ‌های صلیبی و فتح بیت‌المقدس در سال ۱۱۸۷، یعنی دوران مسیحیت، توسط صلاح‌الدین ایوبی از حلب به بیت‌المقدس آورده شده بود.

بخش به آتش کشیده مسجدالاقصی ۱۵۰۰ متر مربع از ۴۴۰۰ متر مربع مساحت کلی مسجد را در بر می‌گرفت. در این آتش‌سوزی، منبر صلاح‌الدین ایوبی، مسجد عمر، محراب زکریا، مقام الاربعین، سه رواق ممتد از جنوب به شمال با ستون‌ها و ایوان‌ها و تزیینات سقفی بر سطح مسجد فرو ریخت. در این آتش‌سوزی دو ستون اصلی که گنبد روی آن استوار بود اجزایی از گنبد داخلی که مزین بود، محراب دیوارهای جنوبی، پوشش مرمری و ۴۸ پنجره گچی، شیشه‌های

رنگی و فرش‌ها، سوره اسراء که با کاشی‌های معرق و تذهیب شده نوشته شده بود و از بالای محراب به سوی شرق امتداد داشت و بسیاری از تزیینات و آیات قرآنی، از بین رفت.

البته تلاش برای تخریب این مسجد به همین جا ختم نشد و چند بار دیگر نیز تلاش‌های متعددی به شرح ذیل در این زمینه صورت گرفت:

- در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۷ ارتش اسرائیل مراسمی نظامی در آنجا برگزار کرد که با مقاومت فلسطینیان روبه‌رو شد و ۲۰ نفر از آنها شهید شدند.

- در سال ۱۹۹۶ نتانیاهو اجازه حفر تونل داد و در جریان اعتراض فلسطینیان ۷۵ نفر کشته شدند.

- در سال ۱۹۹۷ دو اسرائیلی به جرم انداختن سر خوک به داخل صحن مسجد بازداشت شدند. آن‌ها اعلام کردند که در آیین یهود، خوک نجس نیست.

- در ۷ ژوئن ۱۹۶۷ نیروهای اشغالگر کلیدهای در غربی باب المغاربه را توقیف و سپس به سرعت، شهر را پس از فرار اردنی‌ها تصرف کردند.

- در ۹ ژوئن ۱۹۹۷ از برگزاری نماز جمعه ممانعت به عمل آمد. این اتفاق اولین باری بود که از زمان جنگ‌های صلیبی از ۱۱۸۷ میلادی تاکنون رخ داده است.

- در ۱۶ نوامبر ۱۹۶۹ نیروهای اشغالگر «کنج فخریه» در جنوب غربی حرم‌الشریف را اشغال کردند.

- در ۱۴ آگوست ۱۹۷۰ گروه افراطی «گرشان شالوم» که قصد داشتند مسجد را تخریب و به جای آن مسجد سلیمان را بنا کنند،

به زور وارد محوطه حرم شدند که طی يك درگیری، ده‌ها نمازگزار فلسطینی مجروح گردیدند.

- در ۱۹ آوریل ۱۹۸۰ يك گروه از خاخام‌ها و بزرگان يهود، نشستى نیمه مخفی برای پیدا کردن راه‌هایی به منظور آزادى معبد کوهستان از دست مسلمانان تشکیل دادند.

- در ۲۸ آگوست ۱۹۸۰ ، اشغالگران تونلى در زیر مسجد حفر کردند.

- در ۳۰ مارس ۱۹۸۲ نامه‌های متعددى به مقامات اوقاف اسلامى ارسال و از آنها خواسته شد تا معبد کوهستان را ترك کنند؛

چرا که در غير این‌صورت، نتایج وخیمى برای آنها به‌وجود خواهد آمد. نامه به عبری، انگلیسى، اسپانیایى و لهستانى نوشته شده بود.

- در ۱۱ آوریل ۱۹۸۲ يك سرباز اسرایلى به‌نام آلن گودمن با تفنگ M16 به نمازگزاران شلیك کرد و ۶۰ فلسطینی را کشته و مجروح نمود.

- در ۲۶ مارس ۱۹۸۳ ورودى اصلی بخش وقفى بیت‌المقدس به خاطر حفارى‌های اسرایيل تخریب شد.

- در ۲۱ آگوست ۱۹۸۵ پلیس اسرایيل به يهودیان افراطى اجازه داد، در محوطه حرم به عبادت بپردازند.

- در ۴ آگوست ۱۹۸۶ يك گروه از خاخام‌ها قانونى نهایی را صادر کردند که موجب آن، به يهودیان اجازه می‌یافتند در حرم شریف به عبادت بپردازند. آنان درخواست کردند که در آنجا يك کمیته ایجاد کنند.

- در ۱۲ می ۱۹۸۸ سربازان اسرایلى به سوى تظاهرات

مسالمت‌آمیز مسلمانان در حرم‌الشریف آتش گشودند و حدود یکصد نفر از فلسطینیان را کشتند.

- در ۸ آگوست ۱۹۹۰ مقامات اسرائیل در مسجدالاقصی به قتل‌عام ۲۲ نمازگزار و مجروح ساختن بیش از ۲۰۰ نفر دست زدند.
- در ۲۵ ژولای ۱۹۹۵ يك دادگاه عالی اسرائیل قانونی را تصویب کرد که به یهودیان اجازه می‌داد در معبد کوهستان (مسجدالاقصی) عبادت کنند.

سال ۱۹۸۲ شاهد يك سلسله تجاوزات مکرر صهیونیست‌ها به حریم قدس شریف بوده است. در یازدهم آوریل، افراد يك گروه یهودی از پیروان سازمان‌های افراطی یهودی «جنبش امنای جبل‌البیت» و «جنبش کاخ» به رهبری خاخام مائیرکاهانا، تلاش کردند به داخل مسجدالاقصی یورش ببرند. بعدها روشن شد که این تلاش پوششی بوده است برای يك تهاجم مسلحانه به «قبه‌الصخره». تهاجم به این حرم مقدس توسط یکی از سربازان صهیونیست به نام «ایلین گوتمن» انجام شد که بر اثر آن دو تن از نگهبانان مسجد به شهادت رسیدند و آسیب‌های فراوانی به قبه‌الصخره، ستون‌ها و دیوارهای داخلی و خارجی مسجد وارد آمد. پیش از این تهاجم مسلحانه، سازمان‌هاگانا، چند نامه تهدیدآمیز برای اعضای شورای اوقاف قدس ارسال داشت که در آن‌ها گفته شده بود اگر یهودیان از ورود به داخل مسجد همچنان منع شوند، اعضای شورا به قتل خواهند رسید و مسجدالاقصی به آتش کشیده خواهد شد. این یورش مسلحانه به مسجدالاقصی، واکنش شدید و خشمگینانه در قدس و سایر شهرهای کرانه غربی را به دنبال داشت، به گونه‌ای که طی قیامی گسترده، ۹ تن از فلسطینیان شهید و ۱۳۶ تن دیگر مجروح شدند.

علی رغم واکنش‌های شدید مسلمانان نسبت به تهاجم مسلحانه علیه مسجدالاقصی، تلاش‌های یهودیان افراطی برای ورود به داخل مسجد تکرار شد و در ششم ژوئیه يك گروه از اعضای «جنبش امنای جبل‌البیت»، که تقریباً هفتاد تن بودند، به بهانه برگزاری يك اجتماع همبستگی با ارتش اسرائیل که مشغول جنگ در لبنان بود و به منظور نیایش و طلب پیروزی برای این ارتش، قصد ورود به داخل مسجدالاقصی را داشتند که شهروندان فلسطینی و نگهبانان مسجد با آنها درگیر شده و از ورودشان به صحن‌های خارجی مسجدالاقصی جلوگیری کردند.

ساعت سه سحرگاه ۲۸ ژوئیه همین سال، ۴۷ مسلح یهودی عضو يك جنبش مذهبی به نام «یشیغه تو راه هکوهانیم» به رهبری خاخام «گرشون سلمون» به فرمان معاون وزیر دفاع در امور اسکان، چند خانه عربی جنب حرم شریف از ناحیه غربی را، که متعلق به اوقاف اسلامی بود، اشغال کردند و يك سری اثاثیه و تعدادی میز و مقاداری اسلحه به داخل آن خانه‌ها انتقال دادند و کنار پنجره‌ها و روی پشت‌بام‌های مشرف به مسجدالاقصی مستقر شدند.

هیأت اسلامی به منظور حمایت از مسجدالاقصی پیامی خطاب به مسلمانان قدس منتشر کرد که بلافاصله صدها شهروند عرب فلسطینی در صحن‌های مسجدالاقصی حاضر شدند و سعی کردند یهودیان مسلح را که خانه‌های مذکور را اشغال کرده بودند، از آنجا بیرون کنند. در عین حال، شهردار قدس اعلام اعتصاب همه جانبه کرد که در نتیجه آن فضای هولناکی از تشنج بر شهر حاکم شد. در اینجا بود که پلیس صهیونیستی مجبور شد یهودیان مسلح را از این خانه‌ها بیرون کند.

چند روز بعد از این حادثه «جنبش امنای جبل‌البیت» دعوتنامه‌هایی برای برگزاری يك جشن عروسی در صحن مسجدالاقصى توزیع کرد. در این دعوتنامه نوشته شده بود: در ساعت ۱۹ روز چهارم اوت سال ۱۹۸۲، مراسم عروسی «مریم کوهین» با دکتر «گلدشتاین» برگزار می‌شود. مدعوین باید به تعالیم مذهبی ویژه زیارت «جبل‌الهیكل» مقید باشند. روی کارت‌های دعوت نیز تصویر شهر قدس با عکسی از هیكل به جای قبه‌الصخره چاپ شده بود. اداره اوقاف اسلامی قدس با مشاهده گسترش این تجاوزات و تلاش‌های مکرر برای یورش مسلحانه به حریم قدس، ضرورت فوری افزایش و بالا بردن کارایی اقدامات مربوطه به پاسداری از مسجدالاقصى و قبه‌الصخره و صحن‌های خارجی آن را احساس کرد. به همین دلیل تصمیم گرفت که ۲۰۰ نگهبان جدید استخدام شوند و دستگاه‌های آتش‌نشانی و هشدار دهنده بهتری مورد استفاده قرار گیرد و نورافکن‌های جدیدی در نقاط مختلف نصب شود. اما بی‌تردید، صهیونیسم به وسیله جنبش‌های افراطی خویش و حتی حکومت رسمی خود - همان‌گونه که رهبران و بنیان‌گذارانش از «هرتزل» گرفته تا «بن گوریون» معتقدند که یهودی کردن قدس کامل نمی‌شود، مگر اینکه مقدسات اسلامی و مسیحی شهر تخریب و نابود شده باشد و نصب هیكل سلیمان روی «جبل‌البیت» (محل قدس شریف) مسأله‌ای است که تنها به زمان و فرصت مناسب نیاز دارد و تمامی این رویدادها و تجاوزاتی که مسجدالاقصى با آن روبه‌رو می‌شود، از حفاری‌هایی که در زیر آن انجام می‌گیرد گرفته تا به آتش کشیدن و یورش مسلحانه به آن، نشانه‌های این حقیقت به‌شمار می‌روند - تهدیدهای مکرر قبلی مبنی بر انهدام مسجدالاقصى را به اجرا درخواهد آورد.

تعمیرات انجام شده از سوی کمیته معماری

حکومت اردن پس از آتش‌سوزی مسجدالاقصی، کمیته معماری مسجد را تشکیل داد. این کمیته در خلال سال‌های ۱۹۶۹ - ۱۹۸۲ اصلاحات زیر را انجام داد:

- ۱ - ساختن بخش به آتش کشیده شده و ویران شده و از بین بردن آثار حریق؛
- ۲ - ساختن دیوارها و ستون‌هایی به جای دیوارها و ستون‌های سوخته شده؛
- ۳ - ساختن کف بتنی؛
- ۴ - ساختن سقف بتنی جدید به جای سقف سوخته شده؛
- ۵ - ساختن ایوان‌هایی با سنگ‌های سفید و سرخ؛
- ۶ - ساختن دیوار مسجد عمر و سقف آن؛
- ۷ - ساختن دیواری جدید برای مقام‌الاربعمین؛
- ۸ - ساختن دیوار محراب زکریا؛
- ۹ - ساختن ۴۸ پنجره از گچ و نصب شیشه رنگی برای آنها؛
- ۱۰ - ساختن دو ستون مرمری که گنبد بر آنها سوار است؛
- ۱۱ - ساختن پوشش مرمری داخلی؛
- ۱۲ - برق‌رسانی به داخل؛
- ۱۳ - سنگفرش کردن تمام قسمت‌های به آتش کشیده شده؛
- ۱۴ - مرمت چوب و تزیینات گنبد چوبی داخلی به کمک مؤسسه ایتالیایی ایکروم (ICCROM)؛
- ۱۵ - تهیه طرح‌های جدید برای ساختن منبر صلاح‌الدین؛

۱۶ - تهیه و بازسازی کتابت سوره اسراء با کاشی‌های معرق.

اقدام يك صهيونيست برای آتش زدن مسجدالاقصى با محکومیت افکار عمومی بین‌المللی، به ویژه در حوزه شورای امنیت سازمان ملل، مواجه شد.

شورای امنیت با صدور قطعنامه ۲۷۱ (۱۵ سپتامبر ۱۹۶۹) با ابراز تأسف نسبت به خسارت سنگین آتش‌سوزی مسجدالاقصى در بیت‌المقدس در ۲۱ آگوست ۱۹۶۹، که در اشغال نظامی اسرائیل قرار داشت، با یادآوری قطعنامه‌های ۲۵۲ مورخه ۲۱ مه ۱۹۶۸ و ۱۹۶۹ و ۲۶۷ مورخه ۳ ژوئیه ۱۹۶۹ و قطعنامه‌های قبلی و (ES-V) ۲۲۵۳ (ES-V) ۲۲۵۴ به ترتیب مورخه ۴ و ۱۴ ژوئیه ۱۹۶۷ مجمع عمومی راجع به اقدامات و اعمالی که به وسیله اسرائیل برای تغییر موقعیت شهر بیت‌المقدس انجام شده است، با تأکید مجدد بر اصل مسلم غیرقابل قبول بودن تصرف زمین به وسیله فتح نظامی:

۱. بر اجرای قطعنامه‌های ۲۵۲ (۱۹۸۶) و ۲۶۷ (۱۹۶۹)

خود تأکید می‌کند.

۲. اذعان دارد که هر عمل تخریب یا هتك حرمت نسبت

به مکان‌های مقدس، بناها و محل‌های مذهبی در بیت‌المقدس و یا هرگونه تحريك و یا چشم‌پوشی نسبت به چنین عملی ممکن است که صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد.

۳. مقرر می‌دارد که عمل نفرت‌آور هتك حرمت مسجدالاقصى

ایجاب می‌کند که اسرائیل هر چه زودتر از اعمالی که برخلاف قطعنامه‌های مزبور مرتکب شده دست بردارد و تمام اقدامات و اعمالی را که برای تغییر موقعیت بیت‌المقدس انجام گرفته است، لغو کند.

۴ . صریحا از اسرائیل می‌خواهد که مفاد پیمان‌های ژنو و حقوق بین‌الملل راجع به اشغال نظامی را به کار بندد و از ایجاد هر گونه مانعی برای انجام وظایف محوله به شورای عالی مسلمانان بیت‌المقدس، از جمله هرگونه همکاری که ممکن است این شورا از کشورها و یا جماعات مسلمان در ارتباط با نقشه‌هایش به منظور حفاظت و تعمیر مکان‌های مقدس اسلامی در بیت‌المقدس تقاضا کند، اجتناب ورزد.

۵ . اسرائیل را به دلیل عدم اجرای قطعنامه‌های فوق محکوم می‌کند و از آن کشور می‌خواهد که بدین وسیله مقررات این قطعنامه را اجرا کند.

۶ . تصمیم مندرج در پاراگراف ۷ قطعنامه ۲۶۷ (۱۹۶۹) را مبنی براین‌که در صورت جواب منفی و یا عدم جواب اسرائیل، «شورای امنیت بدون تأخیر اقدامات مؤثرتری را در این زمینه اتخاذ کند» تکرار می‌کند.

۷ . از دبیر کل سازمان ملل تقاضا می‌کند که دقیقا اجرای قطعنامه کنونی را پیگیری نماید و بدین وسیله در اسرع وقت مراتب را به شورای امنیت گزارش کند.

در يك هزار و پانصد و دوازدهمین اجلاسیه با ۱۱ رأی موافق در برابر هیچ رأی مخالف و ۴ رأی ممتنع (کلمبیا، فنلاند، پاراگوئه و امریکا) تصویب شد.

قدس از نگاه ادیان سه گانه توحیدی

ضرورت گفتمان با توجه به مشترکات و مفترقات

با نگاهی به عرصه ایدئولوژی و اعتقادی ادیان ابراهیمی، درمی‌یابیم که

بین آنها مشترکات بر سر اصول مهیا است و به برکت همین مشترکات،
مفترقات ایشان در سایه قرار گرفته است.

راهبردهای گفتمان بین‌الادیانی

برای بهره‌مندی از اثرات عینی و عملی گفتمانی کارا، هدفمند و فراگیر،
۲ شرط لازم و کافی ضروری است. شرط لازم مربوط به حوزه نظر است و
مرور و بازخوانی نقطه‌های مشترك در حوزه اندیشه را در بر می‌گیرد
و شرط کافی نیز مربوط به حوزه عمل است و برانگیختن انگیزه پیروان
ادیان و چشم به راهان دستورات صاحبان گفتمان را در پی دارد.
اینجاست که به حق باید گفت: گفتمان، اثبات اختیار است و دوری
از گفتمان، تن دادن به جبر مطلق.

اهمیت شهر قدس

شهر قدس و اطراف آن نزد پیروان سه دین، مقدس و محبوب است؛
سرزمینی که عبادتگاه پیامبران الهی بوده و نقطه‌ای است برای عروج
برخی از آنان به آسمان‌ها و محلی برای ابلاغ وحی و انجام معجزات
الهی. این ویژگی‌های خاص هنگامی اهمیت بیشتری می‌یابد که بدانیم
هیچ مکان دیگری در کره زمین از چنین وضعیت و جایگاهی برخوردار
نیست.

قدس نیز با توجه به عظمت و تقدسی که نزد صاحبان ادیان
ابراهیمی دارد، چنانچه با نگاهی جامع و مانع مورد دقت نظر واقع شود
و فلسفه وجودی آن به درستی درك شود، می‌تواند محملی برای نزدیکی
بین خلق خدا با یکدیگر و با خدایشان باشد.
اما از سویی دیگر، چنانچه عده‌ای جوهره تقدسی این شهر را

نادیده انگارند و صرفاً تمام عزم خود را جزم مسأله خشت و گل و بنا و تعلق و مالکیت شهر نمایند، در این صورت این شهر می‌تواند وسیله‌ای برای هزاران هزار درگیری و خونریزی و خانه بدوشی و اجحاف شود.

پیوند هدف و مکتب

قرابت و ارتباط با پیامبران، تنها به وسیله ایمان و پیروی صادقانه از آنان است. بنابراین، نزدیکترین افراد به ابراهیم علیه السلام آنانی هستند که از مکتب او پیروی کرده و نسبت به اهداف او وفادار بوده‌اند، خواه کسانی که در زمان او زندگی می‌کردند و خواه کسانی که پس از او به مکتب و برنامه او وفادار مانده‌اند. دلیل این موضوع نیز روشن است؛ زیرا احترام پیامبران به خاطر مکتب، نیکوکاری و عدالت‌خواهی آنها بوده نه به خاطر نژاد، قبیله و نسب. کما اینکه در قرآن کریم، سوره صافات، آیات ۱۱۲ و ۱۱۳ در مورد حضرت ابراهیم علیه السلام آمده است: «ما او را به اسحاق، پیامبری صالح، بشارت دادیم. ما بر او و اسحاق برکت دادیم، و از دودمان آنها افرادی نیکوکار به وجود آمدند و افرادی که آشکارا به خود ستم کردند».

بنابراین، هنگامی که مشاهده می‌کنیم افرادی از اهل کتاب با عقاید شرك‌آمیز خود از اساسی‌ترین دعوت ابراهیمی منحرف شده‌اند، باید اذعان داشت که آنان شکل را گرفتند و جوهره و روح فرمان‌های انبیا را، که یکی شدن بود، فراموش کرده و خود را اسیر شکلی از بنا یا نوعی از تفکر کرده‌اند که نتیجه آن کشتار دیگران، ایجاد ناامنی، فتنه و هزاران صحنه رقت‌بار دیگر است و همه این‌ها را به نام دین و عبادت خداوند مرتکب می‌شوند. این چنین اشخاصی خواه یهودی، خواه مسیحی

و یا مسلمان، خود را با این عمل در رأس منکران پیامبر الهی قرار داده و با عنوان پاسداری از شکل مکتب، هدف مکتب خود را فراموش و آن را مورد حمله و هجوم قرار می‌دهند.

نکته قابل تأمل دیگر آن که، دین‌سازی و مذهب‌سازی در درون ادیان ابراهیمی، امری بدیهی و یکی از خطرات بالقوه به شمار می‌آید. از این رو، به نظر می‌رسد صهیونیسم به عنوان يك سازمان سیاسی با تمسك به آیاتی وابسته از کتاب مقدس (تورات) و عدم تطبیق و تفسیر آن با كمك از آیات مستقل در تورات، به عمد و یا غیرعمد، دچار يك خطای بزرگ در تحلیل خود نسبت به دستورات الهی شده است و نتیجه این تحلیل نابجا و نادرست نه تنها موجب چند دهه خونریزی و دشمنی شده، بلکه زمینه‌های نزدیکی و گفتمان را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. ما صهیونیسم را يك مفهوم چهاروجهی می‌دانیم. یعنی صهیونیسم مذهبی، صهیونیسم سیاسی، صهیونیسم فرهنگی و صهیونیسم اقتصادی. دشمنان ادیان ابراهیمی عمدتاً برای دین‌سازی و بدعت‌گذاری در دین و تشکیك در عقاید عامه مردم و پاشیدن تخم نفرت و بذر خشونت میان پیروان ادیان، از افراطیون یا تغریطیون به عنوان ابزار استفاده نموده و می‌نمایند. در مکتب یهودیت تندروهایی بوده و هستند که می‌پندارند خدا تنها و تنها متعلق به نژاد بنی‌اسرائیل است و نژاد بنی‌اسرائیل تماماً یهودی هستند و این یهودیان، چه گناهکار و چه نیکوکار و عادل، همه و همه با کمی تأخیر و تعلل بالاخره در مقام رضوان الهی و در بهشت برین جای دارند. آنان می‌گویند: مناسب است دیگران را خارج از نژاد خود پاکسازی نماییم و در صورت قدرت علاوه بر لعن و نفرین، آنان را از دم تیغ بگذرانیم و سرزمین نیل تا فرات را در اختیار خود بگیریم.

لازم به ذکر است این افراد افراطی در جامعه یهودی نه تنها از جایگاهی برخوردار نیستند، بلکه مطرودند، به گونه‌ای که سازمان صهیونیسم از سال ۱۸۹۷ تا سال ۱۹۱۴ در مجموع تنها توانست پنج هزار عضو را جذب نماید. دین مبین اسلام نیز همواره از وجود این‌گونه افراد در عذاب و ناراحتی بوده است؛ گروه‌های تندرو افراطی با عنوان اسلام و نام‌هایی همچون طالبان و القاعده، که هادی آن‌ها مستقیم یا غیرمستقیم افراد بی‌دین و طرفداران مکتب اصالت سود بودند، از جمله این افرادند. از آنچه گفته شد نتیجه گرفته می‌شد که پیش نیاز هر نوع گفتمان میان اصحاب سه دین، رعایت تفسیر درست و برداشت مناسب با رسالت انبیای الهی است. هر کس موسی را جهانی نداند و صرفاً او را مختص چند میلیون انسان بداند، ستمی بزرگ به ساحت آن نبی گرامی خداوند یکتا روا داشته است.

در هر صورت، صهیونیسم می‌کوشد به جهانیان القا کند که هر یهودی صهیونیست است و صهیونیسم نماینده یهودیان عالم می‌باشد.

حقوق دمکراتیک واحد ملت و موارد نقض آن در فلسطین

واقعیت آن است که صهیونیسم حتی در طی بیش از ۵۰ سال ظهور و بروز خود در ارض مقدس، از اولیات و محکومات آیین موسی دور شده و دوره‌ای سراسر از ظلم و اجحاف به ملت فلسطین را به نمایش گذارده است.

رژیم اشغالگر قدس، هفت اصل لازم برای حفظ آزادی و شرافت انسان‌ها:

- ۱ . برخورداری از حقوق مدنی؛
- ۲ . برخورداری از حقوق اجتماعی؛
- ۳ . برخورداری از حقوق اقتصادی؛
- ۴ . برخورداری از حقوق سیاسی؛
- ۵ . برخورداری از حقوق فرهنگی؛
- ۶ . برخورداری از سبک زندگی و آرامش؛
- ۷ . برخورداری از حق سلامت و بهداشت را نادیده گرفته و زیرپا گذاشته است.

اکنون قدس، که قبله‌گاه سه دین بزرگ الهی است و جای جای آن یادآور خاطرات انبیای بزرگ الهی، که برای سلامت و سعادت انسان‌ها مرارت‌ها کشیده‌اند، می‌باشد، در زنجیره صهیونیسم گرفتار است و به جای آنکه از این نقطه مشترک و مقدس متعلق به ادیان ابراهیمی در جهت نزدیکی و همدلی بهره گرفته شود، فرصت گفتگو و آرامش را از پیروان هر سه دین ستانده‌اند و با یکی دانستن صهیونیسم و یهود، موحدان جهان و یهودیان موحد را دل‌آزرده کرده‌اند؛ زیرا دین یهود را ابزاری برای تفرقه میان امت خدا و بهره‌گیری مادی و چند روزه از دنیا ساخته‌اند.

حضرت امام خمینی قدس سره تصریح داشته‌اند که «ما حساب جامعه یهود را از حساب صهیونیسم و صهیونیست‌ها جدا می‌دانیم و آن‌ها (صهیونیست‌ها) جزء اهل‌مذهب اصلاً نیستند». ایشان، خود، یکی از مخالفان سرسخت صهیونیسم از سال‌های بسیار دور (پیش از ۱۹۶۰ میلادی) تا پایان عمر خویش بوده‌اند. اما در برابر پیروان راستین دین یهود راه مهربانی را در پیش گرفتند و سفارش به حفظ حرمت یهودیان

داشته‌اند: «به این یهودی‌ها که در ایران هستند، کسی حق ندارد تعرض بکند، این‌ها در پناه اسلام و مسلمین هستند، نه به یهودها و نه به نصاری». امام به درستی دریافتند که ادعای یهودی بودن از سوی صهیونیست‌ها فریبی بیش نیست و آنان آمده‌اند تا دین موسی علیه‌السلام و پیروان پاک‌دل موسوی را بازیچه دنیاطلبی خویش قرار دهند: «امروز شما می‌بینید که صهیونیست در عالم که مدعی یهودی بودن هست و یهودیان او را قبول ندارند با مردم چه می‌کند و مع ذلك ادعا می‌کند که من تابع حضرت موسی هستم».

اما در این گفتار، برای پیروان آیین‌های سه‌گانه توحیدی و نیز ملت فلسطین در سه سطح می‌توان راهکارهایی را ارائه داد: ۱. دولتمردان و حکام ۲. اندیشمندان و خواص ۳. عامه مردم.

۱. دولتمردان و حکام الف. یهودیان

رژیمی که در سرزمین فلسطین با عنوان رژیم صهیونیستی اسرائیل قدرت را به جبر در دست گرفته و خود را دولت یهودیان جهان اعلام می‌کند، رژیمی است کاملاً سیاسی که از نام دین یهود و دین‌باوران یهود به عنوان ابزاری برای رسیدن به خواسته‌های کاملاً اقتصادی و سیاسی بهره می‌گیرد و با توجه به سیر شکل‌گیری آن در این سرزمین مقدس به عنوان يك دولت قانونی پذیرفتنی نیست.

ب. مسیحیان

بیش از یکصد کشور جهان از آیین الهی مسیحیت پیروی می‌کنند

و حکومت و دولتمردانشان مدعی پیروی از آیین مسیح و برقراری صلح و آرامش و عدالت برطبق آموزه اصیل مسیحی هستند. اما با کمال تأسف مشاهده می‌شود حکام و دولتمردان پاره‌ای از این کشورها، به دور از پیام‌های خدایی آیین مسیح در پیدایی رژیم صهیونیستی و تداوم حضورش در منطقه و نیز کمک در سرکوب ملت فلسطین، اعم از کمک‌های مالی، تسلیحاتی رسانه‌ای و غیره، نقش بسزایی ایفا کرده و می‌کند. بر این دولتمردان است که آیین مقدس مسیح را به سخره بگیرند و مسیحیان پاکدل را بازیچه هوس‌های قدرت‌طلبی خویش قرار ندهند و از امکانی که برایشان فراهم آمده به‌درستی در راه اعتلای دین مسیح و جامعه انسانی بهره گیرند و علیه ستم و بیدادگری بشورند و در صف حق‌جویان و حق‌گویان و حق‌کرداران قرار گیرند و بدانند که اگر چنین نکنند، خیانت بزرگی به دین عیسی علیه السلام پیروان مسیح و جامعه انسانی کرده‌اند و سرانجام باید روزی پاسخگوی عمل خویش باشند، خواه در تاریخ، خواه در پیشگاه ملت خویش یا در پیشگاه عدل الهی.

ج . مسلمانان

از مجموع کشورهای جهان، نزدیک به ۵۴ کشور با جای دادن بیش از یک میلیارد مسلمان در خود به عنوان کشورهای اسلامی شناخته می‌شدند. اینان نیز باید به جای دل بستن به قدرت‌های بیگانه که بی‌هیچ تردیدی دشمن اسلام، کشورهای اسلامی، مردم مسلمان و خود آنان هستند، از آیین توحیدی اسلام پیروی کنند و دستورات آن را که چونان دیگر آیین‌های توحیدی، برای راهنمایی بشر از طوفان سهمگین

و پرتلاطم حوادث روزگار و گمراهی، به سرمنزل مقصود و ساحل نجات نازل شده است، دقیقاً اجرا کنند.

۲ . خواص و اندیشمندان

دانشمندان گوش و چشم و دست و عقل عامه مردم هر جامعه‌ای هستند و دولتمردان نیز برای پیشبرد اهداف خویش به این قشر نیاز افزون دارند. وظیفه خطیر خواص و اندیشمندان یهودی، مسیحی و مسلمان آن است که حق را به تمام معنا در مسأله فلسطین ادا نمایند و آنچه را که عدل و انصاف است، به درستی بیان دارند؛ زیرا اگر سکوت کنند در هر ستمی که بر انسانیت از ناحیه این عملشان برود، شریکند و روزی باید پاسخگوی کار خویش باشند.

۳ . عامه مردم

الف . بر پیروان شریعت موسی علیه السلام تکلیف است تا هرچه شفاف‌تر و صریح‌تر انزجار و جدایی خود را از مرام و مسلک صهیونیسم در سطح جامعه بین‌المللی نهادینه سازند و به باور مردم و پیروان سایر ادیان بنشانند.

ب . بر پیروان حضرت مسیح علیه السلام تکلیف است اجازه ندهند دولت‌های مسیحی در مسأله خاورمیانه و قدس شریف آتش بیار معرکه باشند.

ج . بر مسلمانان است تا با هوشیاری کامل، به جای عملکرد انفعالی به هوش باشند و با گفتمان‌های دقیق و به موقع با صاحبان ادیان ابراهیمی، حجاب‌های دورغین را، که برافراشته دست بی‌دینان است، فرو کشانند

و دست یاری و تفاهم به سوی دیگر برادران دینی خود دراز کنند.

فلسطینیان

ملت فلسطین همچنان که تاکنون نشان داده به هیچ وجه طالب جنگ و خونریزی نیست و با آگاهی ازآموزه انسان دوستانه اسلام، طالب آرامش و زندگی توأم با امنیت در سرزمین مقدس فلسطین است. اما همچنان نشان داده است که بیدادگری و بی‌عدالتی را هرگز برنخواهد تابید و برای رسیدن به حقوق حقه خود خواهد جنگید. قدس و فلسطین، سرزمینی است برای پیروان هر سه دین؛ در آن، نمادهای تعلق بسیار است که این خود علقه شدیدی را نسبت به قدس ایجاد کرده است. همچنین حرمداری قدس شریف خاص فلسطینیان است که در آنجا حق آب و گل دارند. حکومت فلسطین باید از طریق رفراندوم شکل گیرد، آن‌هم رفراندومی حقیقی و دور از هرگونه خدعه و تهدید؛ به این صورت که تمامی فلسطینیان، اعم از آنانی که اکنون در سرزمین فلسطین زندگی نمی‌کنند و به جبر از خانه و کاشانه رانده شده‌اند و آنان که در این سرزمین نسل‌اندر نسل بسر برده و می‌برند، در این همه‌پرسی شرکت کنند. بدین ترتیب، شکل حکومت فلسطین مشخص خواهد شد. وقتی صحبت از ملت فلسطین می‌شود، یعنی تمام فلسطینیان اعم از یهودی و مسلمان و مسیحی و نیز هر غیرفلسطینی که ملت فلسطین او را به عنوان يك فلسطینی در سرزمین خود بپذیرد. سخن بر سر این نیست که حرمداری قدس و سرزمین‌های مقدس با پیروان کدام دین است،

بلکه پیش از آن سخن بر سر آن است که فلسطین متعلق به تمامی پیروان ادیان ابراهیمی است و تنها در مالکیت فلسطین است و این مردم فلسطین اند که می بایست حرمداری اماکن متبرکه را در دست بگیرند و صهیونیسم نسبت به فلسطین به دلیل فقدان شخصیت حقیقی هیچ گونه تعلقی ندارد و محو سازمان صهیونیسم ارمغانی برای پیروان سه دین، بخصوص یهودیان عالم است.

در نهایت، بر یهودیان، مسیحیان و مسلمانان واجب است که افزون بر گفتمان در حوزه نظر و اندیشه، کاری کنند تا نتایج گفتمانها در حوزه انگیزه و عمل نیز متبلور گردد و جهان شاهد امنیت و آرامش و عدل و انصاف در سرزمین فلسطین باشد. به امید آن روز!